

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا جلسه ۱، مروری بر الهیات یوحنا

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس الهیات یوحنا. این جلسه اول، مروری بر الهیات یوحنا است.

به دوره ما در مورد الهیات یوحنا خوش آمدید، که شامل الهیات، به ویژه انجیل یوحنا، کمی از نامه‌های او و دعا به درگاه خداوند است.

ای پدر مهربان، از تو به خاطر کلامت سپاسگزارم. از تو به خاطر شاگرد محبوب و انجیل و نامه‌ها و کتاب مکاشفه‌اش سپاسگزارم. ما را تشویق کن، به ما بیاموز و ما را اصلاح کن، همانطور که با هم در مورد این چیزها فکر می‌کنیم.

برای گسترش درک خود از این انجیل چهارم، به واسطه عیسی مسیح، پروردگاران، دعا می‌کنیم. آمین.
الهیات یوحنا یا صفت الهیات یوحنا، موضوع این دوره است.

این زیرمجموعه‌ای از الهیات کتاب مقدس است. شاید بحثی در مورد دایره‌المعارف الهیات مناسب باشد.
الهیات تفسیری، مطالعه کتاب مقدس، به ویژه با استفاده از زبان‌های اصلی است.

سپس الهیات کتاب مقدس بر الهیات تفسیری بنا می‌شود تا آموزه‌های کتاب مقدس را از نظر تاریخی در طول کتاب مقدس، از عهد عتیق تا عهد جدید، ردیابی کند. این الهیات از خط داستانی کتاب مقدس پیروی می‌کند. یک زیرمجموعه، اگر بخواهید آن را چنین بنامید، هنوز یک بخش از الهیات کتاب مقدس، مطالعه در کتاب مقدس است، corpus پیکره‌های مختلف کتاب مقدس، جمع آن.

بنابراین، برای مثال، مطالعه الهیات پولس، الهیات پولسی، یا آموزه‌های لوقا-اعمال رسولان، مطالعه‌ای از الهیات لوقا خواهد بود، زیرا بر یک نویسنده و نوشته‌های او تمرکز دارد. این الهیات کتاب مقدسی است نه تفسیری، که از متن برای فهم آن استفاده می‌کند، معنای گسترده و وسیع الهیات کتاب مقدس که آموزه‌ها را از خلقت، سقوط، رستگاری و کمال ردیابی می‌کند. سپس این به الهیات سیستماتیک، ارائه جامع‌تری از آموزه‌های کتاب مقدس، منجر می‌شود که آن را نیز در نظر می‌گیرد، نه در یک خط مستقیم، همانطور که الهیات تفسیری، الهیات کتاب مقدسی و الهیات سیستماتیک در یک خط مستقیم هستند، اما الهیات تاریخی، مطالعه چگونگی درک کلیسا از کتاب مقدس و آموزه‌های آن، درست در همین نقطه، از زاویه‌ای وارد می‌شود، یعنی به درک ما از الهیات سیستماتیک کمک می‌کند.

چگونه می‌توانیم بدون در نظر گرفتن الهیات تاریخی، مثلاً الهیات نظام‌مند شام خداوند را درک کنیم؟ ما با داده‌های کتاب مقدس، تفسیر و پیشینه عهد عتیق کار می‌کنیم و سپس به شام خداوند می‌پردازیم؛ برای مثال، تنها چیزی که داریم، نهاد شام در متی، مرقس و لوقا است. در یوحنا چنین چیزی وجود ندارد. برگزاری شام، حتی همین مورد، در مراسم شکستن نان در اعمال رسولان ۲ و ۲۰ مورد بحث قرار گرفته است.

فکر می‌کنم مورد دوم مخصوصاً شام خداوند است، و گمان می‌کنم مورد اول هم همینطور باشد. سپس، بحث پولس در اول قرن‌تین ۱۰، که اغلب نادیده گرفته می‌شود، درست حدود ۱۶ و ۱۷، و سپس، البته ارائه پولس از نهاد شام در اول قرن‌تین ۱۱. همه اینها مهم است، تفسیر، و سپس رفتن از عهد عتیق به جدید، به عنوان مثال، با عید فصح، زیرا در عید فصح، عیسی عشای ربانی را بنیان نهاد و سومین جام برکت شام را به جام شام خداوند تبدیل کرد، از این قبیل چیزها.

اما چگونه می‌توانیم الهیات سیستماتیک شام خداوند را بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های کاتولیک رومی لوتری، اصلاح‌شده و یادبودگرا در مورد شام خداوند درک کنیم؟ بنابراین، در هر صورت، ما با الهیات کتاب مقدسی سروکار داریم، نه در گستره وسیع کتاب مقدسی ایده خلقت، سقوط، رستگاری و کمال، بلکه به معنایی محلی‌تر، به طور خاص مطالعه آموزه‌های انجیل یوحنا و کمی هم نامه‌های یوحنا. به دلیل ژانر آن کتاب مکشفه و آموزه‌های آن را برای زمان، دوره و ارائه‌دهنده دیگری واگذار می‌کنیم. مروری بر دوره الهیات یوحنا.

ما با سبک یوحنا شروع می‌کنیم زیرا بررسی سبک او مقدمه‌ای بر اندیشه اوست. ما به ساختار انجیل یوحنا نگاه می‌کنیم که به نظر من سه‌گانه است؛ یعنی در فصل‌های ۱، ۱ تا ۱۸ یک مقدمه و در فصل ۲۱ یک خاتمه دارد. بین ۱۱۹ و پایان فصل ۲۰، بدنه انجیل یوحنا قرار دارد و همانطور که خواهیم دید، به دو بخش بزرگ تقسیم می‌شود.

کتاب نشانه‌ها، فصل‌های ۲ تا ۱۲. کتاب جلال، فصل‌های ۱۳ تا ۲۰. پیشگفتار، کتاب نشانه‌ها، کتاب جلال، خاتمه.

اهداف انجیل یوحنا. یوحنا در یوحنا ۳۰:۲۰ و ۳۱ به ما می‌گوید که هدف اصلی انجیلش بشارت است و وقتی آن را می‌خوانیم، شکی در این مورد وجود ندارد. با این حال، به نظر نمی‌رسد که کتاب جلال عمدتاً درباره بشارت باشد، مگر اینکه به حقایق اصلی که بشارت بر آنها استوار است اشاره کند.

مرگ مسیح در فصل ۱۹ و رستاخیز او در فصل‌های ۲۰ و ۲۱ آمده است. اما سخنرانی‌های وداع و دعای پایانی عیسی در فصل‌های ۱۳ تا ۱۷ در درجه اول به منظور بشارت دادن نیست، بنابراین من هدف دومی دارم و آن تهذیب قوم خداست. احتمالاً هدف سومی هم برای دفاعیات وجود دارد که وقتی به آن رسیدیم آن را بررسی خواهیم کرد.

چهارم، دارم می‌گویم. اینها جملاتی در انجیل یوحنا هستند که عیسی می‌گوید، من هستم، و جای خالی را پر کنید. من دروازه ورود به آغل گوسفندان هستم.

من نان حیات هستم. من تاک حقیقی هستم و غیره. من راه، حقیقت و حیات هستم.

هفت عبارت «من هستم» وجود دارد که به طرز جالبی در کتاب نشانه‌ها از فصل‌های ۶ تا ۱۱، فقط در انجیل یوحنا، دسته‌بندی شده‌اند. نه، «من هستم» گفته می‌شود. من فقط اشتباه گفتم.

در کتاب نشانه‌ها، یک دسته از آنها وجود دارد. با این حال، در کتاب جلال، دو گفته دیگر در مورد «من هستم» وجود دارد. ۱۴.۶ مهمترین آنهاست، و سپس فصل ۱۵، «من تاک حقیقی هستم».

بنابراین، پنج مورد از هفت خوشه در کتاب نشانه‌ها. دو مورد در کتاب جلال ظاهر می‌شوند. هفت عبارت مختلف «من هستم» وجود دارد، اما نه هفت معنی متفاوت.

سه معنی متفاوت، و یوحنا دوباره به طور مفید معنی هر هفت نشانه را خلاصه می‌کند. او سه معنی هفت نشانه را در یک نشانه خلاصه می‌کند، که ۱۴.۶ است. عیسی گفت: من راه هستم، من حقیقت هستم، و حیات. و فقط برای پیش‌نمایش آنچه که قرار است پیدا کنیم، من راه هستم، به این معنی که او نجات‌دهنده است.

، او دروازه یا درِ آغلِ گوسفندان است. او راه است، کلمه یونانی «راه» یا «جاده» است، در متن یوحنا ۱۴:۶ راه به خانه آسمانی پدر است که اتاق‌های زیادی دارد. من راه هستم، به این معنی که هیچ کس جز از طریق من نزد پدر نمی‌آید.

او منجی بی‌نظیر بشریت است. من حقیقت هستم. در فصل اول مقدمه، که مضامین بسیاری را معرفی می‌کند، عیسی به عنوان آشکارکننده خدا در خلقت معرفی می‌شود.

با این حال، در درجه اول، یوحنا او را به عنوان آشکارکننده خدا در رستگاری نشان می‌دهد، و وقتی می‌گوید من حقیقت هستم، منظورش این است که او آشکارکننده خداست. او همانطور که می‌گوید، نور جهان است، و سپس با انجام یک معجزه منحصر به فرد در تمام کتاب مقدس تا آن زمان، شفای مردی که کور مادرزاد بوده را نشان می‌دهد. من راه هستم، منجی.

من حقیقت هستم، آشکارکننده‌ی خدا. من حیات هستم، به این معنی که او حیات‌بخش است. آیا من به یوحنا ۱۰ اشاره می‌کنم، کسی که جان خود را برای گوسفندانش می‌دهد؟ نه، البته این بسیار مهم است، اما حیات‌بخش، منظورم این است که او حیات‌جاودان را به قوم خود عطا می‌کند.

«او به همه کسانی که به او ایمان آورند، حیات‌جاودان عطا می‌کند. این معنای بیشتر گفته‌های «من هستم و همچنین بیشتر نشانه‌ها است. بنابراین در اینجا در یوحنا ۱۴:۶، عیسی سه معنای هفت گفته «من هستم» را خلاصه می‌کند.

عیسی راه است، نجات‌دهنده است، و او حقیقت است، آشکارکننده‌ی خداست، که هرگز در شخصیت سخنان و اعمال عیسی اینگونه آشکار نشده است، و او بخشنده‌ی حیات‌جاودان است. نشانه‌ها. اگر نشانه‌ها را ترسیم کنیم، اگر آنها را در فصل‌های انجیل یوحنا ترسیم کنیم، هفت نشانه را می‌یابیم، هفت نشانه را می‌یابیم.

ضمناً، یوحنا می‌خواهد که ما بشماریم، زیرا برای اولین و دومین نشانه، او می‌گوید که این اولین نشانه بود تبدیل آب به شراب، و سپس شفای پسر نجیب‌زاده، او می‌گوید که این دومین نشانه است. او به شمردن ادامه نمی‌دهد، اما این دیدگاه شخصی من نیست. این در مطالعات یوحناپی مرسوم است.

او می‌خواهد که ما به شمردن ادامه دهیم. اگر این کار را انجام دهیم، به هفت نشانه در کتاب نشانه‌ها برخوردیم، که نام کتاب از همین گرفته شده است. هفتمین نشانه در فصل ۱۱ است.

و این بزرگترین این هفت مورد است. نه تنها در فصل نهم، مردی را که کور مادرزاد بوده شفا می‌دهد، بلکه همانطور که خود آن مرد می‌گوید، هیچ کس تا به حال نشنیده است که کسی مردی را که کور مادرزاد بوده شفا داده باشد. و شما نمی‌دانید این مرد اهل کجاست.

او از جانب خداست، احمق‌ها. خیلی خنده‌داره. به مرد نابینای بی‌سواد که حالا داره رهبران اسرائیل، رهبران تحصیل‌کرده رو مواخذه می‌کنه و بهشون الفبای دین کتاب مقدس رو یاد می‌ده.

به هر حال، عیسی پا را فراتر می‌گذارد. و سخت‌تر از شفای چشمان یک مرد نابینا، زنده کردن یک مرده است. و این کاری است که او در فصل ۱۱ انجام می‌دهد.

دیگر هیچ نشانه‌ای وجود ندارد. کتاب جلال تا فصل ۲۰، زمانی که عیسی از مردگان برخاست، هیچ نشانه‌ای ندارد.

آیا این بزرگترین نشانه است؟ برخی اینطور فکر می‌کنند. من اینطور فکر می‌کنم. به دلیل پیش‌بینی عیسی در فصل دوم، این معبد را در سه روز ویران کنید، من آن را برپا خواهم کرد.

در درخواستی برای یک نشانه، این پاسخ او بود. متن حتی به ما می‌گوید که یوحنا یکی از نظرات سرمقاله خود را به ما داده است. او به معبد بدن خود اشاره می‌کرد.

و پس از رستاخیز او، شاگردانش به کلام او و کتب مقدس ایمان آوردند و به طرز شگفت‌آوری سخنان عیسی را با عهد عتیق هم‌تراز کردند. و سپس، در فصل ۲۱، صید معجزه‌آسای ماهی نشانه خوبی خواهد بود. اما هفت نشانه در کتاب نشانه‌ها جمع شده‌اند. هفتمین نشانه، رستاخیز ایلعازر، به رستاخیز عیسی اشاره دارد که یا جوهره نشانه‌ها است یا نشانه بزرگی بزرگتر از همه آنهاست که در نهایت همه آنها به آن اشاره دارند. نشانه‌ها کلام یوحنا برای معجزات عیسی است که به طور گزینشی در فصل ۲۰ ثبت شده است.

در بیان هدف، یوحنا می‌گوید که عیسی معجزات بسیار دیگری در حضور شاگردانش انجام داد که در این کتاب ثبت نشده‌اند. اما این معجزات نوشته شده‌اند تا شما به مسیح، به عنوان مسیح موعود و پسر خدا ایمان بیاورید و با ایمان آوردن، به نام او حیات داشته باشید. یوحنا گزینشی عمل کرد؛ عیسی معجزات بسیار دیگری انجام داد؛ او هفت، یا شاید هشت، یا شاید نه، قطعاً هشت، حداقل و شاید نه، را انتخاب کرد، اگر قرار باشد رستاخیز عیسی به عنوان نشانه‌ای برای نشان دادن هویت مسیح و برانگیختن ایمان، و نجات ایمان به او، محسوب شود.

اما کلام عیسی در مورد آیاتش، آیات نیست. بلکه عمل می‌کند، پس. او کارهایی را که پدر به من سپرده است. تا انجام دهم، حفظ می‌کند، او از آنها سخن می‌گوید.

یوحنا ۱۷. پدر، پسر را جلال بده تا پسر تو را جلال دهد. من کاری را که به من سپرده بودی، به پایان رساندم.

شگفت‌آور است که دعای بزرگ کاهن اعظم در فصل ۱۷. اگرچه این دعا قبل از رفتن عیسی به صلیب بود، اما در ذهن او، او پیش از آن به صلیب رفته بود. و همانطور که آیه ۲۴ از فصل ۱۷ نشان می‌دهد، در ذهن او، او چنان مصمم است که به صلیب برود که گویی از مرگ برخاسته و به سوی پدر بازمی‌گردد.

پدر، می‌خواهم کسانی که به من بخشیده‌ای، در جایی که من هستم، باشند. تا جلال مرا ببینند. ۱۷:۲۴. جلالی که پیش از آفرینش جهان به من عطا کردی، زیرا مرا دوست داشتی.

گفته‌های مربوط به زمان. ضمناً، منظور از زمان این است که ادعای ما در مورد برخی از این تمایزات در انجیل یوحنا این نیست که آنها کاملاً متمایز هستند. به عنوان مثال، برخی از این موارد در انجیل‌های دیگر نیز آمده است.

اما رواج و اهمیت آنها در انجیل چهارم است که آنها را به گفته‌های متمایز زمانی تبدیل می‌کند، یا وقتی عیسی چیزهایی می‌گوید مانند اینکه زمان من هنوز نرسیده است، یا وقتی یهودیان می‌خواستند او را دستگیر کنند، اما این کار را نکردند زیرا زمان او هنوز نرسیده بود، که نشان دهنده حمایت مشیت الهی پدر است. سپس، در پایان فصل ۱۲، در آغاز فصل ۱۳، می‌گوید که زمان او فرا رسیده است. این زمان مقرر برای اوست تا کار یا کارهای خود را انجام دهد.

اعمال او کلماتی هستند که از دهانش بیرون می‌آید و اعمالی که انجام می‌دهد. اعمال او به ویژه در مورد مرگ و رستاخیز اوست. گفته‌های مربوط به زمان، بزرگتر از این حرف‌ها هستند زیرا در واقع تا انتها ادامه دارند همانطور که در فصل پنجم آمده است، زمان در حال آمدن است، ساعت در حال آمدن است و ساعت و زمان تا حدودی قابل تعویض هستند.

ساعتی فرا می‌رسد که مردگان صدای پسر انسان را خواهند شنید و کسانی که در قبرهایشان هستند، بیرون خواهند آمد. یوحنا ۵، حدود ۲۸ و ۲۹. این یک پیشگویی است، البته یک پیشگویی، مانند رستاخیز مردگان به صدای عیسی، خداوند عیسی.

این یوحنا ۵:۲۸ و ۲۹ است. ضرب‌المثل‌های مربوط به زمان به انجیل یوحنا نظم تاریخی می‌دهند. آنها از این نظر، در کنار اعیاد، بسیار مهم هستند.

آنها زمان را مشخص می‌کنند. آنها به داستان کتاب مقدس اشاره می‌کنند. این مهم است زیرا یوحنا به این معنا وجودی است که ما به کسی، یک جوینده، می‌گوییم انجیل یوحنا را بخواند.

انگار عیسی درست با شما صحبت می‌کند. به این دلیل است که او درست با شما صحبت می‌کند. و بنابراین بولتمان می‌تواند بر این ویژگی آن تأکید کند.

آن ارتباط وجودی، آن ارتباط مستقیم بین عیسی و گناهکار، یعنی خواننده، وجود دارد که بسیاری از مردم را به سوی مسیح هدایت کرده است، زیرا آنها با پلیس معبد در فصل هفتم موافق هستند، کسانی که برای دستگیری عیسی رفتند و دست خالی برگشتند. و مشکل شما چیست؟ فریسیان می‌خواهند بدانند. مشکل شما چیست؟ او کجاست؟ و آنها گفتند، هرگز هیچ کس مانند این مرد صحبت نکرده است.

من به فریسیان و کاتبان می‌خندم. یک مرد نابینا می‌تواند بهتر از آنها، یک مرد نابینای سابق، ببیند. پلیس معبد، که اصلاً دانشمند نیستند، می‌توانند بهتر از رهبران بشنوند، اما رهبران در برابر ادعاهای مسیح کور و کر هستند.

پاسخ‌ها به عیسی چیزی است که می‌خواهیم به آن پردازیم. دو پاسخ بزرگ به عیسی، و مانند اکثر مضامین دیگر، نه همه، اما مضامین بسیار زیادی، در مقدمه معرفی شده‌اند. او به سوی خاصان خود آمد؛ خاصان او او را نپذیرفتند.

به هر که او را پذیرفت، این حق را داد که فرزندان خدا شوند، حتی به کسانی که به نام او ایمان آوردند - دو پاسخ در مقدمه آمده است. اولی منفی و دومی مثبت است.

آیا این مهم است؟ بله، مهم است. این انجیل یوحنا را شرح می‌دهد زیرا از مقدمه تا پایان باب ۱۲، کتاب نشانه‌ها تا حد زیادی با شکست مواجه می‌شود. اگرچه عیسی در حضور آنها نشانه‌های زیادی انجام داده بود، اما آنها هنوز به او ایمان نیاوردند، باب ۱۲:۳۷.

این وحشتناکه، کاملاً وحشتناک. آیه درست همین، ۱۲۳۷. و البته، خلاصه‌اش اینه که، البته بعضی‌ها ایمان آوردند، اما در کل، سخنان و اعمال عیسی با پی‌ایمانی یهودیان مواجه شد.

یوحنا ۳۰:۲۰ و ۳۱، همانطور که در توماس، که با دیدن ایمان آورد، تجسم یافته است، ما فکر نمی‌کنیم که او واقعاً نیازی به لمس کردن داشته باشد. عیسی گفت لمس کن. او ایمان آورد، عیسی او را به خاطر ایمان آوردن مبارک اعلام کرد و کسانی را که بدون دیدن ایمان می‌آوردند، مبارک‌تر خواند. سپس، در بیان

هدف دوباره می‌گوید که نشانه‌ها نوشته شده‌اند تا مردم باور کنند که عیسی مسیح، پسر خداست و با ایمان آوردن، به نام او حیات یابند.

بنابراین، واکنش‌هایی که به عیسی در مقدمه کتاب آمده است، در واقع کتاب را از نظر واکنش‌ها به پسر خدا ترسیم می‌کند. آیه ۱۲:۳۷ خلاصه‌ای از واکنش اکثریت به پیام‌ها و معجزات عیسی در کتاب نشانه‌ها را ارائه می‌دهد و این یعنی رد کردن. آیات ۲۰، ۳۰ و ۳۱ خلاصه‌ای از واکنش ایمانی ۱۱ شاگرد در فصل ۱۳ آیه است. عیسی شاگردان را به بالاخانه می‌آورد و در را به روی جهان می‌بندد ۱

- مخاطب کتاب آیات، جهان، به ویژه جهان یهود است. مخاطب کتاب جلال، حواریون - شاهدان عیسی هستند.

شاهدان عیسی در مقدمه معرفی می‌شوند، به خصوص با یحیی تعمید دهنده. دقیقاً به همین شکل او معرفی می‌شود. او مسیح نیست.

او اشاره‌ای به مسیح است. او یک شاهد است. او از جانب خدا فرستاده شده تا بر نور شهادت دهد.

او نور نیست، اما فرستاده شده است تا بر نور شهادت دهد تا همه از طریق او به نور ایمان آورند. شاهدان عیسی در سراسر انجیل یوحنا هستند، محقق بزرگ کاتولیک رومی انجیل، ریموند براون، و تفسیر کتاب مقدس او که ستون فقرات آن است، این را به من آموخت. یوحنا زمان واقعی، متن واقعی را که عیسی در محاکمات پایان عمرش در مقابل پیلاتس و هیروдіس ایستاده است، به حداقل می‌رساند.

او آن را، گاهی با طنزی تقریباً خنده‌دار، که بعداً به آن خواهیم پرداخت، گنجانده است. اما او آن را گنجانده است، اما آن را کوتاه و مختصر کرده است. در عوض، نشان می‌دهد که عیسی در تمام عمرش در حال محاکمه بوده است.

و رهبران یهود او را رد می‌کنند. آنها او را محکوم می‌کنند. این حکم آنهاست.

اما خدا حکم دیگری می‌دهد، و این کار را از طریق شاید هفت نفر انجام می‌دهد. آیا آن عدد تکرار می‌شود؟ بله. شاید هفت نفر، اما من این را با داشتن یک دسته‌بندی دیگر می‌فهمم، بنابراین شاید مغالطه‌آمیز باشد.

اما شاهدان زیادی، حداقل هفت نفر. و این در دو متن اصلی در انجیل یوحنا، شاهدان مسیح، یافت می‌شود. متن اصلی درست در فصل پنجم است.

عهد عتیق، پدر، معجزات عیسی و یحیی تعمید دهنده، همگی به پسر خدا شهادت می‌دهند. هیچ کمبود مدرکی وجود ندارد. این دقیقاً همان چیزی است که یحیی نشان می‌دهد.

عیسی در تمام طول زندگی‌اش در حال محاکمه است. بله، در پایان زندگی نیز محاکمه‌هایی وجود دارد، و یوحنا نیز در این محاکمه‌ها حضور دارد. اما او تمام مدت در حال محاکمه است.

و پدر حتی از آسمان شهادت می‌دهد. پدر، نام خود را جلال بده، فصل ۱۲. پدر، خدا از آسمان سخن می‌گوید.

من آن را جلال داده‌ام، و دوباره آن را جلال خواهم داد. و مردم همه می‌گویند، هلولویه، ما صدای... نه، آنها این را نمی‌شنوند. آنها می‌گویند فکر می‌کنم رعد بود، یا فکر می‌کنم فرشته‌ای صحبت کرد.

به عبارت دیگر، یوحنا طعنه آمیز و حتی کنایه آمیز صحبت می کند. اگر خدای مهربان از آسمان سخن می گفت، این مردم آن را نمی فهمیدند. یحیی گناه را در وهله اول به عنوان کفر معرفی می کند، و این هم از آن.

خدا از آسمان سخن می گوید و نام خود را در پسرش جلال می دهد، و شنوندگان آن را نمی شنوند. آنها آن را نمی فهمند. آنها از زبان هم نوا استفاده می کنند.

آنها گوش شنوا ندارند. با تأمل در باب ششم اشعیا. فصل هشتم نیز شاهدان مهمی درباره عیسی و به اندازه کافی تصاویر پسر خدا دارد.

یوحنا تصاویر زیادی از عیسی نقاشی می کند. او آشکارکننده ی خداست. او حیات بخش است.

او مسیح، کریس است. او پسر انسان است. او پسر خداست و حتی بیشتر از آن.

یوحنا همچنین تصاویری از کار نجات بخش عیسی مسیح را نقاشی می کند. آیا این آموزه ی کفاره است؟ موضوع فراتر از این است. این کار نجات بخش اوست.

بله، اولین اشاره در فصل اول آمده است. او بره خداست، همانطور که یحیی تعمید دهنده گفت، که گناهان جهان را از بین می برد، یک مضمون قربانی کاهنی که در دعای کاهن اعظم مطرح شده است. من خودم را تقدیس می کنم تا آنها، شاگردان و سایر مؤمنان، تقدیس شوند، اما کار نجات بخش او شامل او نیز می شود، مانند دانه گندمی که به زمین می افتد و می میرد و برداشت زیادی می کند، و او پیروز است که به نمایندگی از قوم خود بر شیطان و جهان غلبه می کند.

همانطور که گفتیم، او حیات بخش است. این بخشی از کار نجات بخش اوست، رستاخیز او نجات می دهد. در واقع، فصل ۱۰ می گوید، من جان خود را می دهم، و دوباره آن را باز می گیرم.

پدر به من اجازه داده است که جان خود را بدهم و دوباره آن را باز یابم. روح القدس در انجیل چهارم ظاهر می شود. در درجه اول، او به عنوان پس از پنطیکاست در نظر گرفته می شود، اما نه به طور مطلق.

او قبل از آن ظاهر می شود، اما بارها در انجیل چهارم آموزه ی دوگانگی را داریم و من آن را اینگونه می گویم. خب، اینجا پدر و پسر را به عنوان خدا معرفی می کنیم. اینجا روح القدس را به عنوان خدا معرفی نمی کنیم، اما الهیات مسیحی، بر اساس کل انجیل یوحنا و آنچه از بقیه ی عهد جدید می دانیم، می گوید که روح نیز خداست.

بنابراین، ما آموزه تثلیث، تثلیث فرضی یا پیش بینی شده، چیزی شبیه به این را داریم، زیرا اساساً یوحنا در سخنرانی های وداع، ۱۴، ۱۵، ۱۶، از روح به عنوان روح حقیقت و روح حیات صحبت می کند. هر دوی اینها به عنوان خدمت های آینده روح القدس در نظر گرفته می شوند، و شاید مهمترین چیزی که باید در مورد روح گفته شود این است که او جای عیسی را می گیرد. او خود دیگر عیسی است، و بسیاری از خدمت های عیسی، از جمله محکوم کردن جهان به گناه، آشکار کردن پدر، جلال دادن پدر، بخشیدن حیات، توسط روح حقیقت انجام می شود، و او همچنین روح حیات است.

این برچسب ها از کتاب شگفت انگیز سینکلر فرگوسن در مورد روح القدس گرفته شده اند. نام این کتاب روح القدس، رهبران الهیات مسیحی «در انتشارات واریتی است. الهیات یوحنا شامل کلیسا نیز می شود»

او از کلمه کلیسا استفاده نمی‌کند. فقط متی در فصل‌های ۱۶ و ۱۸ انجیل خود از این کلمه اناجیل استفاده می‌کند، اما یوحنا ایده کلیسا را بدون کلمه کلیسا دارد. ما باید از مغالطه مفهوم کلمه آگاه باشیم.

این روش به دو صورت عمل می‌کند. یک روش این است که بگوییم برای بیان یک ایده باید یک یا چند کلمه خاص داشته باشید. در این مورد، باید کلمه کلیسا یا کلیساها را داشته باشید، و این اشتباه است، به سادگی اشتباه است.

یوحنا هرگز نمی‌گوید کلیسا، اما کلیسا از گوسفندان تشکیل شده است. از کسانی تشکیل شده است که در تاک می‌مانند. این قوم خداست که پدر به پسر داده است و خیلی چیزهای دیگر که بررسی خواهیم کرد. موضوعی که خیلی رایج نیست اما مهم است.

رستگاری همه جا هست، و بنابراین ما شش موضوع را به آن اختصاص داده‌ایم. عشق خدا، منبع، اساس سرچشمه رستگاری، اگر بخواهید، گزینش، برگزیدن مردم توسط خدا برای رستگاری. در اینجا دوباره، از مغالطه مفهوم کلمه اجتناب می‌کنیم.

یوحنا هرگز از کلمه انتخاب، از پیش تعیین شده یا تقدیر استفاده نمی‌کند، اما با سه تصویر، مفهوم انتخاب را ارائه می‌دهد. پدر، مردم را به پسر می‌دهد. پسر، نویسنده‌ی انتخاب در فصل ۱۵ است.

فکر نمی‌کنم قبلاً به سومی رسیده باشم، آن را حذف کردم. در تصویر سوم انتخاب، پدر مردم را به پسر می‌دهد. این مفهوم چهار بار در یوحنا ۱۷ آمده است.

این دعای کاهن اعظم را تعیین می‌کند. باورنکردنی است. عیسی تنها در یوحنا ۱۵، ۱۶ و ۱۹ بانی برگزیدگی است.

تصویر سوم، هویت پیشین یا مقدم قوم خداست. در یوحنا ۱۰، عیسی می‌گوید: من گوسفندان خود را می‌شناسم، به آنها حیات جاودان می‌دهم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد. چند آیه قبل، شاید حدود آیه و بعد از آن، می‌گوید: با چه اختیاری این معجزات را انجام می‌دهید؟ عیسی می‌گوید: یک معجزه دیگر، ۲۶، انجام دهید.

من کارهای زیادی انجام داده‌ام که شما ایمان نمی‌آورید. شما ایمان نمی‌آورید چون گوسفندان من نیستید. گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند و از من پیروی می‌کنند و من به آنها حیات جاودان می‌دهم.

حالا، یک دقیقه صبر کن. آیا این گفته که شما گوسفندان من نیستید چون ایمان ندارید؟ نه. آیا این درست نیست؟ بله.

در واقع، این بیشتر در انجیل یوحنا رایج است، نه خود کلمات، بلکه مفهوم آن. بی‌ایمانی، فرد را از حیات ابدی محروم می‌کند. بنابراین، مطمئناً، شما گوسفند من نیستید زیرا به حقیقت ایمان ندارید.

این چیزی نیست که عیسی اینجا می‌گوید. او می‌گوید شما ایمان نمی‌آورید چون گوسفندان من نیستید. گوسفندان، که من آنها را بز می‌نامم، هویتی پیشینی دارند، اوه، فقط خدا از آن آگاه است.

شاگردان نمی‌دانند چه کسی برگزیده و چه کسی برگزیده نیست، اما خدا می‌داند. و این سومین تصویر از برگزیدگی در انجیل یوحنا است. گوسفندان من به این شکل برگزیده شده‌اند.

قبل از اینکه قوم خدا ایمان بیاورند، یک هویت پیشینی یا قبلی برای آنها وجود دارد. گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند. این بدان معناست که آنها به عیسی ایمان دارند و از من پیروی می‌کنند.

یعنی آنها وارد یک زندگی شاگردی می‌شوند. من به آنها حیات جاودان می‌دهم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد. همانطور که دی.ای. کارسون در کتاب بزرگ خود، «حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی، دیدگاه‌های کتاب مقدس و تنش»، نشان می‌دهد، گزینش یکی از مضامین مهم انجیل چهارم است.

او در کتاب محبوب‌ترش، «ای خداوند، تا کی؟»، اظهارات کتاب مقدس در مورد رنج و شر را نیز نشان می‌دهد. این عنوان فرعی مناسبی نیست، اما نزدیک به آن است. حیات جاودان بارها و بارها در انجیل چهارم آمده است.

همانطور که بسیاری از محققان گفته‌اند، اگر پادشاهی خدا کلمه پرتنین در سه انجیل اول باشد، حیات زندگی ابدی، کلمه انجیل چهارم است. همانطور که با نگاه به واژگان یوحنا خواهیم دید، پادشاهی خدا غایب نیست، اما بسیار ناچیز است. حیات ابدی همه جا را فرا گرفته است.

به قول من، این کلمه ۳۴ یا ۳۵ بار در انجیل یوحنا و در مجموع کمتر از ۲۰ بار در سایر انجیل‌ها آمده است، و همیشه در انجیل یوحنا به معنای حیات جاودان است. این موهبت خداست، حاکمیت الهی. چیزی است که فرد با ایمان به عیسی مسیح، یعنی مسئولیت انسانی، دریافت می‌کند.

این از قبل هست و هنوز نیست. این از قبل هست و این حیات جاودانی است، یوحنا ۳:۱۷، تا تو را، خدای یگانه حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای بشناسند. شناختن پدر و پسر اکنون حیات جاودانی است.

فصل ۵، هر که صدای مرا بشنود و به فرستنده‌ی من ایمان آورد، از مرگ به حیات منتقل شده است. حال چند آیه بعد در یوحنا ۵، ۲۸، ۲۹، این بُعد هنوز نرسیده‌ی حیات ابدی است. صدای پسر انسان، کسانی که در قبرهایشان هستند، از جمله کسانی که نیکی کرده‌اند، بیرون خواهند آمد و آنها برای رستخیز حیات ابدی بیرون خواهند آمد.

رستگاری همچنین از جذب شدن صحبت می‌کند، حداقل دو بار به ذهنم می‌رسد. یوحنا می‌گوید پدر مردم را به سمت پسر جذب می‌کند. این بدان معناست که او با محبت از زبان پولس استفاده می‌کند و آنها را در زمان و مکان فرا می‌خواند تا به پسر خدا ایمان بیاورند.

ترسیم. فصل ۱۲، عیسی می‌گوید که او همه مردم را به سوی خود جذب می‌کند. در این زمینه، نه تنها یهودیان، بلکه یونانیان نیز درخواست صحبت با او را داشتند.

به نظر می‌رسد که او آنها را نادیده می‌گیرد، اما آنها را در این کلام عظیم گنجانده است. رستخیز مردگان در انجیل چهارم تعلیم داده شده است، جایی که عیسی بارها می‌گوید، من مردمی را که پدر به من داده است مردمی را که به سوی من می‌آیند، یعنی به من ایمان می‌آورند، مردمی را که پدر به سوی من می‌کشد، من آنها را در روز بازپسین زنده خواهم کرد. به عنوان مثال، او این را در فصل ششم تکرار می‌کند.

بنابراین، رستگاری در رستخیز قوم خدا، برای کسانی که به عیسی ایمان دارند، به زندگی ابدی ختم می‌شود. رستگاری همچنین شامل کار خدا برای حفظ و نگهداری قومش است. این اراده پدر است، فصل ششم، که من هیچ یک از آنچه او به من داده است را از دست ندهم، بلکه آنها را در روز بازپسین برخیزانم.

هر که به من ایمان آورد و نزد من آید، او را بیرون نخواهم کرد. عیسی گوسفندان را نگاه می‌دارد. او قوم خود را حفظ می‌کند.

در واقع، فصل ۱۰ نشان می‌دهد که این کار پدر و پسر در هماهنگی است. من به آنها حیات جاودان می‌دهم، یوحنا ۱۰:۲۶، و آنها هرگز هلاک نخواهند شد. پدری که آنها را به من داده بزرگتر است.

ببخشید، باید بهش برسم. وقتی شروع به خرابکاری در یک متن می‌کنی، به سراغ متن می‌روی - اصل شماره چهار.

سه اصل اول چیست؟ من اصلاً نمی‌دانم. گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند، من آنها را می‌شناسم، آنها از من پیروی می‌کنند، من به آنها حیات جاودان می‌دهم، آنها هرگز هلاک نخواهند شد. و هیچ‌کس آنها را از دست من نخواهد گرفت.

این تصویری از خشونت، جدا کردن مردم از عیسی، یا شاید تصویر گوسفندانی از آغوش قوی چوپان است. تصور این است که اگر او از قوی‌ترین اصطلاح، یعنی قاپیدن، استفاده می‌کند، شامل اصطلاحات کم‌اهمیت‌تری نیز می‌شود. بنابراین، او به دنبال بالاترین درجه مخالفت می‌رود.

نه تنها این، بلکه عیسی نه تنها گوسفندان خود را نگه می‌دارد، بلکه پدر من که آنها را به من داده است از همه بزرگتر است. با آمدن پسر به جهان، نوعی تبعیت اقتصادی از پدر وجود دارد. نه یک تبعیت هستی‌شناختی که پسر را از خدا کمتر کند، بلکه او از نظر عملکردی از پدر کمتر است، به این صورت که خدا، پسر، به یک انسان تبدیل می‌شود و خود را داوطلبانه برای کار نجات قوم خدا، مطیع پدر می‌کند.

پدر من که آنها را به من داده است، از همه بزرگتر است. هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را از دست پدر بگیرد.» من و پدر در متن یکی هستیم «جمله‌ای در مورد هستی‌شناسی فلسفی نیست.

ما در وجودمان یکی هستیم، اما این جمله‌ای است درباره الوهیت پدر و پسر، زیرا من به آنها حیات جاودان می‌دهم. آنها هرگز هلاک نخواهند شد. من آنها را حفظ می‌کنم، پدر آنها را حفظ می‌کند، من و پدر در کار الهی خود برای حفظ گوسفندان یکی هستیم. عیسی کاری را انجام می‌دهد که فقط خدا انجام می‌دهد.

حفظ [خدا] یکی از جنبه‌های رستگاری است که به طور سنتی استقامت مقدسین نامیده می‌شود. این کار توسط پدر و پسر در انجیل چهارم انجام می‌شود. من فوراً موردی را به یاد نمی‌آورم که در پولس توسط روح انجام شده باشد؛ می‌توانم مواردی را در انجیل چهارم به خاطر بیاورم.

من نمی‌توانم به یکی فکر کنم، اما اگر بخواهم به سمت الهیات سیستماتیک حرکت کنم، می‌گویم از آنجایی که خدا یک تثلیث است، او سه در یک است و تمام اعمال او غیرقابل تقسیم هستند. ما اشخاص را با هم اشتباه نمی‌گیریم، اما اعمال خدا یکی هستند. این پدر، پسر و روح‌القدس هستند که ما را نجات می‌دهند. اگرچه من نمی‌توانم متنی را در انجیل چهارم نشان دهم و هنوز هم نمی‌توانم این کار را انجام دهم.

یوحنا، هماهنگ با بقیه عهد جدید، نشان می‌دهد که ویژگی‌های اصلی وقایع آخر در عیسی تحقق یافته‌اند و اینکه آنها هنوز در همان زمان تحقق نیافته‌اند. ما این را در گفته‌های مربوط به زمان می‌بینیم، و زمان او فرا رسیده بود، پایان ۱۲. عیسی، با دانستن اینکه زمان ترک این جهان و بازگشت به سوی پدر فرا رسیده است تا پایان، به فرزندان خود عشق می‌ورزد، یوحنا ۱:۱۳. این در حال حاضر است، و با این حال زمان رستاخیز مردگان، یوحنا ۲۸:۵-۲۹، هنوز فرا نرسیده است.

هنوز آینده است. حیات جاودان در یوحنا اساساً همین حالا وجود دارد. این اساساً یک عمل انجام شده است.

این دارایی حال مؤمنان است. اما در آینده نیز هست. منظورم این است که بله، در آینده نیز هست.

آه، یوحنا ۱۲. بنابراین، عمدتاً، حیات جاودان اکنون در انجیل چهارم است. اینجا یک جا هست. شاید بیشتر از یکی باشد، اما اینجا یکی به ذهنم می‌رسد.

یوحنا ۱۲:۲۵. هر که جان خود را دوست بدارد، آن را از دست می‌دهد. هر که در این دنیا از جان خود بیزار باشد، آن را برای حیات جاودان حفظ خواهد کرد، که در تضاد با زندگی در این دنیاست. این به معنای زندگی در جهان بعدی است.

هر کسی که از جان خود متنفر باشد، به اصطلاح مقایسه شرقی، در مقایسه با عشق به خدا، عشق ما به هر چیز دیگری، نفرت است. این به معنای واقعی کلمه نفرت از زندگی شما نیست. هر کسی که در این دنیا از جان خود متنفر باشد، آن را برای زندگی ابدی حفظ خواهد کرد.

تفاسیر مربوط به انجیل یوحنا نشان می‌دهد که این یک اشاره آینده‌نگر به حیات جاودان است. و همینطور در مورد سایر مضامین نیز همینطور است. آنها از قبل وجود داشته‌اند و هنوز وجود ندارند.

در حال حاضر، رستاخیز مردگان، یوحنا ۵، رستاخیز روحانی وجود دارد. هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، به همان اندازه عیسی آشکارکننده پدر است، از مرگ به زندگی منتقل شده است. او از نظر روحانی برخاسته است.

اما یوحنا ۵:۲۸-۲۹، تنها با صدای پسر انسان در آینده است که مردگان از قبرهایشان بیرون خواهند آمد. همین برای اولین سخنرانی ما کافی است. ما مروری بر الهیات یوحنا داشتیم.

ما در سخنرانی بعدی خود به سبک او خواهیم پرداخت.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد الهیات یوحنا است. این جلسه 1، مروری بر الهیات یوحنا است.